

بررسی تأثیر سبک رفتار رهبری معلم بر خلاقیت دانش آموزان ابتدایی شهرستان کازرون^۱

پری جان مشایخ*

ام البنین برزیده**

چکیده: پژوهش حاضر به منظور بررسی تأثیر سبک رفتار رهبری معلم بر خلاقیت دانش آموزان دبستانی (کلاس چهارم و پنجم) شهرستان کازرون انجام شده است. در این تحقیق که به روش همبستگی می باشد، تعداد ۴۰ معلم و ۱۲۰ دانش آموز به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از مدارس شهرستان کازرون انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از دو پرسشنامه سبک رفتار رهبری الوانی و پرسشنامه خلاقیت عابدی استفاده شد که هر دو پرسشنامه دارای روایی صوری قابل قبول بودند و ضریب آلفای آنها به ترتیب ۰/۷۹ و ۰/۸۳ بود، که قابل قبول و معنی دار می باشد. یافته های تحقیق نیز نشان می داد که:

۱- (۳۷/۵٪) درصد معلمان دارای سبک رفتار رهبری وظیفه مدار، (۲۰٪) درصد دارای سبک رفتار رهبری رابطه مدار، (۴۲/۵٪) درصد هم سبکی تلفیقی داشتند.

۲- دانش آموزان معلمان دارای سبک تلفیقی نسبت به دانش آموزان معلمان با سبک رفتار رهبری وظیفه مدار یا رابطه مدار، خلاقیت بالاتری دارند ($F = 5/19, P < /01$).

۳- جنسیت معلم به تنهایی با خلاقیت دانش آموزان رابطه ای ندارد. ($F = 0/06, P < /93$). اما تعامل جنسیت با سبک رهبری تأثیری معنی دار بر خلاقیت دانش آموزان دارد ($F = 3/23, P < /05$).

۴- بین دختران و پسران از نظر میزان خلاقیت تفاوت معنی یاری وجود دارد ($t = 2/15, P < /03$).

واژه های کلیدی: خلاقیت، سبک رفتار رهبری، رفتار معلم

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون است

* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کازرون، گروه علوم تربیتی، کازرون، ایران pary_mm@yahoo.com
** عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کازرون، گروه علوم تربیتی، کازرون، ایران barzideh@yahoo.com

مقدمه

رهبری به عنوان فرایند استفاده از نفوذ بدون زور برای هدایت و هماهنگی فعالیت های اعضای یگ گروه در جهت تحقق هدف است (گریفین، ۱۳۸۶: ۳۵۰) که نحوه استفاده از قدرت و نفوذ را سبک رهبری می گویند (رضائیان، ۱۳۸۶: ۴۲۲). به عبارتی سبک رهبری بیانگر روشی است که رهبر در برخورد با مرئوسان به آن متوسل می شود (رابینز، ۱۳۷۸: ۶۴۵).

این سبک طی زمان از طریق تحصیل، کارورزی و تجربه و برحسب ادراکات خود رهبر و دیگران، مهم تر از همه زیردستان، شکل می گیرد (علاقه بند، ۱۳۸۸: ۱۲۸). به طور کلی محققان دو دسته سبک رهبری وظیفه مدار و رابطه مدار را مشخص می کند.

سبک وظیفه مدار به رفتار رهبر در مشخص کردن رابطه میان خود و اعضای گروه، کار و کوشش او برای ایجاد الگوهای دقیقی سازمانی، مجاری ارتباط و رویه ها و روش ها اشاره دارد (هرسی و بلانچارد، ۱۳۸۵: ۷۹). رهبری که دارای این سبک است در جهت تأمین اهداف مورد نظر نقش هایی را که باید خود و زیردستانش ایفا کنند، به نحو احسن تعیین و ارائه می کند، به سازماندهی کارها، تعیین روابط سازمانی و مشخص کردن اهداف می پردازد (ابزاری، ۱۳۷۶: ۷۷)، این رهبر بیشتر اتکاء به قوانین و مقررات سازمانی داشته و کارکنان را تحت کنترل شدید قرار می دهد تا از اجرای دقیق مقررات اطمینان یابد (الوانی، ۱۳۷۸: ۱۴۱).

رهبران رابطه مدار در جهت تأمین نیازهای زیردستان خود تلاش می کنند و بین آنها از نظر توانایی و انگیزه تفاوت قائل می شوند (رابینز، ۱۳۷۸: ۶۴۶). این رهبران بر جنبه های مناسباتی کار خود تأکید می کنند (هرسی و بلانچارد، ۱۳۸۵: ۸۰). آنها در سازمان علاقه مند هستند تا یک گروه کاری متعهد به وجود آورند و اطمینان حاصل کنند که کارکنان به شکلی اساسی از کار خود رضایت دارند. در واقع توجه اساسی رهبر به رفاه کارکنان است (گریفین، ۱۳۸۶: ۳۵۲).

این افراد هدف گذاری جمعی را ترویج کرده و به کارکنان اعتماد داشته و برای آنان حرمت و ارزش بسیار قائل هستند (الوانی، ۱۳۷۸: ۱۴۱)، به نظرها عقاید و احساسات کارکنان اهمیت می دهند و به آنها احترام گذاشته و رفتاری دوستانه و صمیمی دارند (رابینز، ۱۳۷۸: ۶۴۵).

به طور کلی رفتارهای وظیفه مدار شامل تعیین نقش ها و مسؤولیت ها، برنامه ریزی پروژه ها، نظارت بر کار و مدیریت زمان و منابع می باشد. رفتارهای رابطه مدار بر نشان دادن توجه به زیر دستان احساس کردن و عمل کردن دوستانه و متوجه نفع آنها بودن است (آماییل و همکاران، ۲۰۰۴: ۴).

در واقع رهبری به عنوان فرایند تأثیر معلمان در کلاس درس در نظر گرفته می شود به طوری که آنها ابتکار و عشق به کار خود را در جهت دستیابی به اهداف تدریس و یادگیری از طریق کاری که انجام می دهند نشان می دهند (الکاراسنه^۱ و جبران صالح، ۲۰۱۰: ۴۱۵).

خلاقیت یا آفرینندگی نیز ترجمه واژه خلاقیت، به معنای پدید آوردن چیزی از چیز دیگر به گونه ای منحصر به فرد و تولید یک عقیده جدید و مفید می باشد. به عبارتی خلاقیت توانایی شکل دادن به ترکیب تازه ای از نظرات یا ایده ها برای رسیدن به یک نیاز یا تحقق یک هدف می باشد (میرزاآقایی، ۱۳۸۶: ۶۹). خلاقیت را باید نوعی تفکر به شمار آورد، چرا که ایده خلاق، خود نوعی فکر و تصور است که فارغ از روش و قالب از قبل تعیین شده بوده و حالت واگرا دارد. به طور کلی می توان گفت تفکر خلاق تفکری است که مردم به خاطر یک تمایل درونی برای یافتن چیزهای بهتر و جدیدتر در آن درگیر می شوند (کینگ هوآ^۲، ۲۰۰۵: ۱۹۶).

تفکر خلاق به مشارکت در خلق یا تعمیم عقاید، فرایندها، تجارب یا اهداف در نظر گرفته می شود. در واقع تفکر خلاق تولید عقاید جدید و مترادف با تفکر تولیدکننده می باشد و بر فرایند های استدلالی پیچیده مثل مقایسه کردن، طبقه بندی کردن، تحلیل اشتباهات، استقراء قیاسی، حمایت سازنده، خلاصه کردن، تخیل کردن، تصمیم گیری و بررسی، پژوهش، حل مسأله و اختراع تمرکز دارد (داوس^۳ و لومباردی^۴، ۱۹۹۶: ۳).

خلاقیت از دید صاحب نظران دارای چهار مرحله است (دائمی ۱۳۸۳: ۲۲):

- ۱- مرحله آمادگی: این مرحله از رشد خلاقیت شامل تمرکز بر روی مسئله، سازماندهی اطلاعات، تعریف مسئله و تولید ایده های مربوطه است و بخشی از مطالعه، یادگیری و تلاش برای بیان حقایق به طریق مختلف است (مرحله ای که انگیزش درونی ابداع در فرد به وجود می آید).
- ۲- مرحله نهفتگی: نهفتگی، هنگامی است که شخص ایده های خود را سازمان دهد و بازبینی نماید و در معرض آزمون قرار دهد.
- ۳- مرحله اشراق یا بصیرت: مرحله ای که با شناخت ناگهانی همراه است و آن هنگامی است که شخص ناگهان موضوعی را درک کرده و به اجزای مختلف مسئله ارتباط می دهد.
- ۴- مرحله بازبینی: در این مرحله، عکس العمل ها، ارزشیابی ها و پیشنهادات مشخص به شکل منتقدانه مورد ارزیابی قرار می گیرد و ممکن است مطالعه نتایج تفکر تازه یا راه حل جدید، او را وادار به تغییر یا تجدیدنظر در آن بنماید.

1- Al- Karasneh
4- Lombardi

2- Kyung-Hwa

3- Downs

در واقع خلاقیت سیستمی پیچیده و رشد یابنده است که حداقل توسط ۷ تأثیر که عبارتند از: فرایندهای شناختی، فرایندهای عاطفی و اجتماعی، جنبه‌های خانوادگی، آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی، خصوصیات حوزه و زمینه، جوانب زمینه‌ای و فرهنگی اجتماعی، حوادث، روندها و زمینه‌های تاریخی شکل داده می‌شود. یکی از مهم‌ترین این موارد آموزش و پرورش رسمی و معلم می‌باشد. در واقع جو کلاسی، ویژگی‌های معلم، مدیریت و رهبری او در کلاس بر خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر دارد و می‌تواند خلاقیت دانش‌آموزان را رشد دهد (همز^۱ و نش^۲، ۱۹۹۶: ۱۰). محیطی که بچه‌ها در آن کار، بازی و زندگی می‌کنند می‌تواند رشد خلاقیت آنها را تسریع کرده و یا سرکوب نماید (کمپل^۳ و نینسبرگ^۴، ۲۰۰۰: ۶۸). معلمان می‌توانند با ایجاد جو مناسب و شرایط لازم خلاقیت کودکان را توسعه بخشیده و یا با رفتار ناصحیح اعتماد به نفس آنها را از بین برده و مانع رشد خلاقیت آنها شوند (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۴۵). آنها با رفتارهایی مثل پرسیدن سؤالات باز پاسخ، داشتن سعه صدر در برابر ابهام و تحمل آن، ارائه رفتار تفکر خلاق، جایزه دادن به دانش‌آموزانی که پاسخ‌های غیرمنتظره می‌دهند، خلاقیت فراگیران را رشد می‌دهند (جینگو^۵، ۲۰۰۳: ۲۱۸). این معلمان کلاس‌هایی دانش‌آموز محور دارند. وجود چنین کلاس‌هایی همراه با معلمان تسهیل‌گر کیفیت آموزش را افزایش داده و افراد را برای تفکر تحریک می‌کند. آنها با آموزش به دانش‌آموزان و تقویت روحیه آنها در پذیرش عقاید و اندیشه‌های نو و مؤثر، همچنین تشویق فراگیران به استفاده از خودارزیابی منظم و توضیح مفاهیم برای سایر هم‌کلاسی‌های خود، یادگیری از طریق یادگیری را مهم جلوه داده و باعث رشد تفکر خلاق دانش‌آموزان می‌شوند (داوس و لومباردی، ۱۹۹۶: ۳). در واقع ایجاد یک محیط مثبت و سالم در کلاس به دانش‌آموزان و معلمان کمک می‌کند که با تعهد بالا کار کنند و در نتیجه خلاقیت دانش‌آموزان در کلاس افزایش خواهد یافت (الکاراسنه و جبران صالح، ۲۰۱۰: ۴۲۰).

به عبارتی می‌توان گفت تعامل بین معلم و دانش‌آموز به احتمال زیاد جو خلاقیت را در کلاس تسریع می‌کند. معلمانی که به دانش‌آموزانی که سؤالات غیرمنتظره می‌پرسند و عقاید متضاد دارند، احترام زیادی می‌گذارند، اغلب از روش‌های متنوع استفاده می‌کنند و به طور مدام حمایت خود را از عقاید تفکر و احساسات دانش‌آموز بیان می‌کنند، پاسخ‌های مثبت و سازنده در تصحیح اشتباهات دانش‌آموز یا در پاسخگویی به سؤالات او فراهم می‌کنند، نقش مهمی در تقویت خلاقیت دارند. این معلمان جو کلاس را براساس احترام و توجه متقابل قرار می‌دهند به

1- Hamz

4- Nissenberg

2- Nash

5- Jingo

3- Kample

طوری که هدف و معنای تدریس آنها معنایی فراتر از نقش توصیف شده معلم می دهد. جوی در کلاس ایجاد می کنند که باز، چالشی، حمایتی و قابل اعتماد، پر انرژی، شاد و مشارکتی بوده و رفتارهای خلاق را جایزه می دهد. فرایندهای تفکر و اکتشاف را تشویق می کند و دانش آموزان را برای بیان عقاید خود از طریق روش های لذت آور و سرگرم کننده و بدون ترس آزاد می گذارد (همز و نش، ۱۹۹۶: ۱۱). روابط عاطفی معلم و شاگرد نیز بر رشد خلاقیت آنها تأثیر دارد. ایجاد شرایط مساعد برای رشد خلاقیت مستلزم وجود جوی صمیمی و مطمئن در کلاس درس است. دانش آموز باید بتواند با آسودگی در کلاس به اظهار نظر پردازد و بدون نگرانی هر سؤالی را که در ذهن دارد، مطرح نماید. تحقیقات نشان داده است که روابط صمیمانه و توأم با علاقه و احترام نقش مؤثری در رشد خلاقیت دانش آموز دارد. در کلاس های خلاق، فکر بیشتر از حافظه ارزش دارد. معلم تعادلی بین امنیت روانی و آزادی برقرار می سازد تا دانش آموزان بتوانند ریسک کنند. معلم هدایت گر و تسهیل کننده است. در حالی که در کلاس غیرخلاق، معلم مقتدر است، سخت در بند زمان، غیر حساس به نیازهای احساسی دانش آموزان و مقید به نظم و دادن اطلاعات است (حسینی، ۱۳۸۶: ۲۷). در زمینه تأثیر سبک رهبری بر خلاقیت تحقیقات چندی صورت گرفته است از جمله: سیدعامری، (۱۳۸۱، ص: ۱) در تحقیقی نتیجه گرفت که بین اثربخشی مدیران ورزشی دانشگاه های کشور با سبک های رهبری انتخابی و نیز با خلاقیت آنها رابطه معنی داری وجود دارد.

گودرزنازاد، (۱۳۸۲: ۱) در تحقیق خود نتیجه گرفت که در شهرستان، بین سبک مدیریت رابطه مدار و سبک مدیریت وظیفه مدار مدیران زن در بروز خلاقیت معلمین مدارس ابتدایی دخترانه تفاوت معنی داری وجود ندارد.

اقبالی فرزقی (۱۳۸۴: ۱) به تعیین نقش سبک رهبری و خلاقیت مدیران با کارآمدی شرکت های بهره بردار از شبکه های آبیاری و زه کشی استان های گیلان، مازندران و گلستان پرداخت، که بررسی نهایی مدل تحقیق نشان داد بین متغیر کارآمدی و متغیرهای خلاقیت و سبک رهبری و سن رابطه معنی دار بالایی وجود دارد. قهرمان تبریزی (۱۳۸۴: ۱) معتقد است که بین سبک رهبری مدیران با خلاقیت عضو هیأت علمی گروه های تربیت بدنی دانشگاه های کشور همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. از آنجا که معلم نقش رهبر کلاس را برعهده دارد و هرزمان که گروهی تشکیل می شود، چه به صورت رسمی و چه غیر رسمی، وجود یک رهبر مورد نیاز است و در جمع دانش آموزان و معلم، این رهبری بر عهده معلم است (سیف، ۱۳۸۸: ۵۵۴) و رهبری معلم به عنوان نوعی بی نظیر از رهبری در مدرسه توصیف می شود. معلمان هنگامی که در ارتباطات

حرفه ای تدریس کار می کنند، یادگیری دانش آموزان را تحت تاثیر قرار می دهند، در بهبود مدرسه مشارکت می کنند، رهبران آموزشی هستند (یلدریم وباستگ، ۲۰۱۰). رهبری دارای سبک های مختلفی است که بر روی یک پیوستار که در یک سوی آن رفتارهای وظیفه گرا و سوی دیگر رفتارهای انسانگرا می باشد، قرار گرفته است. به طور نسبی در حد وسط این رفتارها می توان سبک های دیگری را هم در نظر گرفت (رضائیان، ۱۳۸۶) در این تحقیق نیز دو سبک انسانگرایی (رابطه مداری) و سبک وظیفه مداری و سبکی در میانه طیف به عنوان سبک تلفیقی در نظر گرفته شده است و محقق قصد دارد تاثیر این سبک های رفتار رهبری معلم بر میزان خلاقیت دانش آموزان را بررسی کند. به عبارتی قصد بررسی سؤالات زیر را دارد:

۱. چند درصد از معلمان دارای سبک رفتار رهبری رابطه- مدار، چه تعداد دارای سبک رفتار رهبری وظیفه- مدار و چه تعداد دارای سبک تلفیقی هستند؟
۲. آیا بین دانش آموزان یا معلمان دارای سبک رفتار رهبری وظیفه- مدار و دانش آموزان یا معلمان دارای سبک رابطه- مدار و معلمانی که در میانه طیف قرار دارند از نظر میزان خلاقیت تفاوت معنی داری وجود دارد یا خیر؟
۳. آیا جنسیت معلم و سبک رفتار رهبری تأثیری بر خلاقیت دانش آموزان دارد؟
۴. آیا بین دانش آموزان دختر و پسر از نظر میزان خلاقیت تفاوت معنی داری وجود دارد یا خیر؟

روش

این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی می باشد. که به طور عملی در مدارس ابتدایی شهرستان کازرون اجرا شده است.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری تحقیق را همه معلمان و دانش آموزان شهرستان کازرون تشکیل می دهد که در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل و تدریس بودند. روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای بود که از این جامعه به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای ابتدا ۱۰-۵ مدرسه دخترانه و ۵ مدرسه پسرانه انتخاب شدند. سپس، در این مدارس ۴۰ معلم به روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند، که از این ۴۰ معلم، ۵۲/۳ درصد آنها زن و ۳۲/۸ درصد آنها مرد بودند (جدول شماره ۱). ۷۵/۶ درصد آنها دارای مدرک لیسانس و ۲۴/۴ درصد آنها دارای مدرک کاردانی بودند.

برای تعیین میزان خلاقیت دانش آموزان، ۱۲۰ دانش آموز به طور تصادفی از کلاس این معلمان انتخاب شدند که ویژگی های آنها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۱- تعداد معلمان به تفکیک جنسیت

جنسیت	تعداد	درصد
زن	۲۳	۵۲/۳
مرد	۱۷	۳۸/۶

جدول ۲- تعداد دانش آموزان به تفکیک جنسیت

جنسیت	تعداد	درصد
دختر	۶۷	۵۵/۸۳
پسر	۵۳	۴۴/۱۷

ابزار پژوهش

برای جمع آوری داده ها از دو پرسشنامه سبک رفتار رهبری الوانی و آزمون خلاقیت عابدی استفاده شد.

۱- پرسشنامه سبک رفتار رهبری برای تعیین سبک رفتار رهبری معلمان استفاده شده است. این پرسشنامه توسط آقای الوانی تهیه شده و دارای ۳۵ سؤال ۴ گزینه ای می باشد. برای تعیین پایایی پرسشنامه از ضریب آلفای کرانباخ استفاده شد. این ضریب معادل ۰/۸۱ بود که قابل قبول و معنی دار می باشد. برای تعیین روایی پرسش نامه هم از روایی صوری و هم تحلیل ماده استفاده شد که روایی صوری پرسشنامه قابل قبول بود. از نظر تحلیل ماده نیز همبستگی تک تک سؤالات آزمون با نمره کل آزمون محاسبه شد که این ضریب معنی دار ($P < 0.01$) بود. ضریب آلفا نیز برابر با ۰/۷۹ و قابل قبول است.

۲- پرسشنامه خلاقیت عابدی برای تعیین میزان خلاقیت دانش آموزان استفاده شد. از هر کلاسی که معلم آنها پرسشنامه سبک رهبری را تکمیل کرده بود به طور تصادفی ۳ دانش آموز انتخاب شد و آنها نیز با همکاری محقق پرسشنامه ها را تکمیل کردند. این آزمون دارای ۶۰ سؤال ۳ گزینه ای می باشد. برای تعیین پایایی و پرسشنامه آن از ضریب آلفای کرانباخ استفاده شده که این ضریب برابر ۰/۸۳ و قابل قبول می باشد. برای تعیین روایی پرسشنامه از روایی صوری و تحلیل

ماده استفاده شد که روایی صوری پرسشنامه نیز قابل قبول بود. از نظر تحلیل ماده، همبستگی تک تک سؤالات آزمون با نمره کل آزمون معنی دار ($P < /0.1$) بود.

یافته ها

به منظور بررسی سبک رفتار رهبری معلم با توجه به یافته ها (جدول ۳) مشاهده می کنیم که ۳۷/۵ درصد معلمان دارای سبک رفتار رهبری و وظیفه مدار و ۲۰ درصد دارای سبک رفتار رهبری رابطه مدار بودند، ۴۲/۵ درصد هم در میانه طیف قرار داشتند و دارای سبکی تلفیقی بودند.

جدول ۳- تفکیک معلمان بر حسب سبک رهبری

سبک رفتار رهبری	درصد
سازمان مدار	۳۷/۵
کارمند مدار	۲۰
تلفیقی	۴۲/۵

به منظور بررسی دانش آموزان یا معلمان دارای سبک رفتار رهبری و وظیفه مدار و دانش آموزان یا معلمان دارای سبک رابطه مدار و معلمانی که در میانه طیف قرار دارند از نظر میزان خلاقیت و یافتن اینکه آیا تفاوت معنی داری وجود دارد یا خیر؟ از روش آماری تحلیل واریانس یک طرفه استفاده شد. بررسی نتایج نشان می دهد که بین میزان خلاقیت دانش آموزان این سه گروه از معلمان تفاوت معنی داری ($F = 5/19$ ، $P < /0.1$) وجود دارد (جدول ۴). آزمون تعقیبی شفه نیز نشان می دهد دانش آموزانی خلاقیت بالاتری داشته اند که معلمان آنها دارای سبک تلفیقی بوده اند یعنی در میانه طیف قرار داشته و رفتارهای وظیفه مداری و رابطه مداری را با هم داشته اند (جدول ۵).

جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس یک طرفه تأثیر سبک رفتار رهبری بر خلاقیت

شاخص					
منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	نسبت F	سطح معنی داری
بین گروهی	۵۲۹۳/۴۳	۲	۲۶۴۶/۷۱	۵/۱۹	/0.1
درون گروهی	۵۰۹/۵۶	۳۲	۱۶۳۰۶/۱۶		
جمع	۲۱۵۹۹/۶	۳۴			

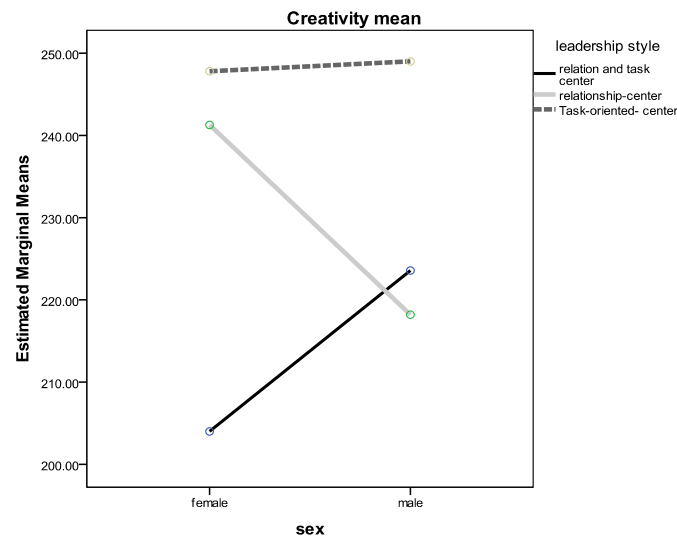
جدول ۵- خلاصه نتایج آزمون تعقیبی شفه

شاخص				
سبک رهبری	سبک رهبری	میانگین تفاوت ها	خطای معیار	سطح معنی داری
تلفیقی	سازمان مدار	-۱۹/۵۲	۸/۴۲	/۰۸
	انسان مدار	-۳۳/۴۶	۱۱/۱۴	*/۰۱
سازمان مدار	تلفیقی	۱۹/۵۲	۸/۴۲	/۰۸
	انسان مدار	-۱۳/۹۳	۱۰/۸۰	/۴۴
انسان مدار	تلفیقی	۳۳/۴۶	۱۱/۱۴	*/۰۱
	سازمان مدار	۱۳/۹۳	۱۰/۸۰	/۴۴

برای بررسی اینکه آیا بین جنسیت معلم، سبک رفتار رهبری او و خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد یا خیر؟ از تحلیل واریانس دوطرفه استفاده شد (جدول ۶). نتایج نشان می دهد که جنسیت معلم به تنهایی با خلاقیت دانش آموزان رابطه ای ندارد. یعنی چه معلم زن باشد، چه مرد باشد، تأثیری بر خلاقیت دانش آموزان ندارد ($P < /۰۰۶ F = /۹۳$). اما تعامل جنسیت با سبک رهبری تأثیری معنی دار بر خلاقیت دانش آموزان دارد ($P < /۰۵ F = ۳/۲۳$). یعنی جنسیت در صورتی بر خلاقیت فراگیر تأثیر دارد که با یکی از سبک های رهبری همراه باشد (نمودار ۱).

جدول ۶- تحلیل واریانس دو عاملی خلاقیت بر اساس عوامل سبک رفتار رهبری معلم

شاخص				
متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	سطح معنی داری
سبک رهبری	۳۷۵۸/۷۵	۲	۱۸۷۹/۳۷	۰/۰۲
جنسیت	۲/۹۴	۱	۰/۹۴	۰/۹۳
سبک رهبری و جنسیت	۳۰۳۸/۳۵	۲	۱۵۱۹/۱۷	*/۰۵
خطا	۱۳۲۳۷/۴۹	۲۹		
کل	۲۱۵۹۹/۶۰	۳۴		



نمودار ۱: تأثیر تعاملی جنسیت و سبک رهبری بر خلاقیت دانش آموزان

برای پاسخگویی به سوال پنجم تحقیق که آیا بین دانش آموزان دختر و پسر از نظر میزان خلاقیت تفاوت معنی داری وجود دارد یاخیر؟ از روش آماری t -test برای گروه های مستقل استفاده شد. با توجه به اطلاعات به دست آمده (جدول ۷) بین دختران و پسران از نظر میزان خلاقیت تفاوت معنی داری وجود دارد ($P < 0.03$ $t = 2/15$)

جدول ۷- نتایج آزمون t برای دختران و پسران

شاخص						
متغیر	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t	سطح معنی داری	تفاوت میانگین ها
دختر	۷۷/۲۶	۱۲/۲۶	۱۰۲	۲/۱۵	۰/۰۳	۵/۲۹
پسر	۷۱/۹۷	۱۱/۴۹				

بحث و نتیجه گیری

با توجه به یافته های تحقیق می توان گفت: که اکثریت معلمان دارای سبک رهبری تلفیقی بوده اند یعنی نه سبکی کاملاً وظیفه مدار و نه سبکی کاملاً رابطه مدار داشته اند. در ثانی با نگاه کردن به سؤال دوم تحقیق متوجه می شویم که سبک رفتار رهبری معلم بر میزان خلاقیت دانش

آموزان تأثیر دارد این یافته با دیدگاه های محققان قبلی نیز همسویی دارد. گاماز لگلو، ایلسو (۲۰۰۹: ۶۴۲) نیز معتقدند رفتار رهبری رابطه مستقیمی با خلاقیت زبردستان دارد. عامری (۱۳۸۱: ۱) و اقبالی فرزقی (۱۳۸۴: ۱) هم نتیجه گرفتند که بین خلاقیت مدیران و سبک رهبری آنها رابطه وجود دارد.

با بررسی نتیجه آزمون تعقیبی شفه می بینیم که این رابطه بین معلمان با سبک تلفیقی و سایر معلمان، معنی دار شده است. به عبارتی بین دانش آموزان با معلمان دارای دو سبک رفتار رهبری وظیفه مدار و رابطه مدار از نظر میزان خلاقیت تفاوت معنی داری مشاهده نشد. در واقع معلمانی، دانش آموزان با خلاقیت بالاتری تربیت نموده اند که سبکی تلفیقی داشته اند. یعنی نه کاملاً وظیفه مدار و نه کاملاً رابطه مدار بوده اند. این یافته تحقیق نیز با تحقیق گودرز نژاد (۱۳۸۲: ۱) همخوانی دارد، او نیز نتیجه گرفت که بین سبک مدیریت رابطه مدار و سبک مدیریت وظیفه مدار در بروز خلاقیت معلمین تفاوت معنی داری وجود ندارد.

آماییل و همکاران (۲۰۰۴: ۵) نیز معتقدند که رفتار رهبر بر ادراکات زبردستان از حمایت رهبر تأثیر گذاشته و خلاقیت آنها را افزایش می دهد. به عبارتی دیگر، هر رهبری می تواند خلاقیت کارمندان را از طریق کمک مستقیم در انجام پروژه ها، افزایش تمرینات زبردستان، افزایش انگیزه درونی کارکنان، برنامه ریزی و تعیین اهداف مناسب، حمایت گروه کاری در سازمان، ارتباط برقرار کردن و تعامل خوب با گروه کاری، اهمیت دادن به علائق فردی در کارها، فراهم کردن بازخورد سازنده، نمایش اعتماد به گروه کاری و پذیرای عقاید جدید بودن تحت تأثیر قرار دهد.

لذا رفتارهایی با افزایش خلاقیت زیر دستان همسویی دارد که هم شامل رفتارهای سبک رابطه مدار و هم شامل رفتارهای سبک وظیفه دار می باشد، یعنی تلفیقی از رفتارهای این دو سبک رفتار رهبری، خلاقیت زبردستان را افزایش می دهد که این نیز در جهت تأیید یافته های تحقیق است که میزان خلاقیت دانش آموزان در سبک تلفیق معنی دار شد (آماییل و همکاران، ۲۰۰۴: ۵)

همچنین یافته های تحقیق نشان می دهد که جنسیت معلم به تنهایی تأثیری بر خلاقیت دانش آموزان ندارد بلکه در صورتی که همراه با سبک های مختلف رهبری باشد و با آنها در تعامل باشد سبب افزایش خلاقیت دانش آموزان می شود.

با بررسی یافته های آخرین سؤال تحقیق چنین استنباط می گردد که، میزان خلاقیت دانش آموزان دختر نسبت به دانش آموزان پسر بالاتر است، این یافته تحقیق با یافته تحقیق امیری و اسعدی، (۱۳۸۶، ص: ۳۰) همخوانی دارد آنها نیز معتقدند در زمینه تحول خلاقیت بین دختران و پسران تفاوت معنی داری وجود دارد. اما یافته های این تحقیق با یافته های تحقیق کریمی (۱۳۷۹:

۱) و پیاو^۱ (۲۰۰۰: ۲۲) همسو نیست، چرا که آنها در تحقیقات خود نتیجه که گرفتند پسران نسبت به دختران خلاقیت بالاتری دارند.

به طور کلی می‌توان گفت خلاقیت تحت تأثیر متغیرهای محیطی، انگیزشی، عاطفی و شناختی رشد می‌یابد. متغیرهای شناختی مثل: تفکر واگرا، سبک‌های تفکر و پذیرای تجربه بودن، عوامل محیطی نیز شامل: اقتدار کاری، بازخورد و جوایز ناشی از ارزشیابی می‌باشد. این عوامل محیطی به طور حتم، به رفتار معلم وابسته است. لذا خلاقیت باید نه به عنوان ویژگی شخصی یا یک توانایی کلی در نظر گرفته شود، بلکه خلاقیت رفتاری است که نتیجه تعامل بین خصوصیات شخصیتی، توانایی‌های شناختی و محیط اجتماعی است. محیط و متغیرهای زمینه‌ای مثل فرصت‌های بازی، رفتار معلم، سبک جایزه دادن و تشویق کردن او، بر خلاقیت کودکان مؤثر است (چین و هو^۲، ۲۰۱۰: ۵۰).

لذا با توجه به یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات آینده به بررسی سایر متغیرهای کلاسی مانند: جو کلاس، رابطه شاگرد و معلم، قدرت و اقتدار معلم در کلاس و غیره، بر خلاقیت دانش‌آموزان پرداخته شود.

منابع فارسی

- ابزاری، م. و سرایداریان، ح. (۱۳۷۶). سازمان مدیریت و فشارهای روانی. اصفهان: ارکان.
- اقبالی فرزقی، م. ع. (۱۳۸۴). تعیین نقش سبک رهبری و خلاقیت مدیران با کارآمدی شرکت‌های بهره‌بردار از شبکه‌های آبیاری و زه‌کشی استان‌های گیلان، مازندران و گلستان. مؤسسه تحقیقات مدیریت.
- الوانی، س. م. (۱۳۷۸). مدیریت عمومی. تهران: نشر نی.
- امیری، ش. و اسعدی، س. (۱۳۸۶). روند تحولی خلاقیت در کودکان. تازه‌های علوم شناختی، سال ۹، شماره ۴.
- حسینی، ا. ا. (۱۳۸۶). بررسی تأثیر آموزش خلاقیت معلمان بر خلاقیت پیشرفت تحصیلی و خودپنداره دانش‌آموزان، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال ششم، شماره ۲۳.
- دائمی، ح. (۱۳۸۳). هنجاریابی مقدماتی آزمون خلاقیت عابدی در مدارس دوره متوسطه منطقه ۶ تهران، تازه‌های علوم شناختی، سال ۶، شماره ۳ و ۴.

- رابینز، اس. پی. (۱۳۷۸). رفتار سازمانی: مفاهیم، نظریه ها و کاربردها. ترجمه علی پارسایان و سید محمد اعرابی. جلد دوم. تهران: انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.
- رضائیان، ع. (۱۳۸۶). مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت).
- سیف، ع. (۱۳۸۸). روانشناسی پرورشی نوین یادگیری و آموزش. تهران: نشر دوران.
- عامری، م. ح. (۱۳۸۱). طراحی و تبیین مدل سه بعدی سبک های رهبری خلاقیت و اثربخشی مدیران ورزشی دانشگاه های کشور، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- علاقه بند، ع. (۱۳۸۸). مدیریت عمومی. تهران: نشر روان.
- قهرمان تیریزی، ک. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی و سبک رهبری اعضای هیأت علمی گروه های تربیت بدنی دانشگاه های کشور. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- کریمی، ع. (۱۳۷۹). بررسی رابطه بین خلاقیت با اضطراب جنسیت پیشرفت تحصیلی و منزلت اجتماعی گروهی از دانش آموزان مقطع سوم راهنمایی شهرستان شیراز. پایان نامه چاپ نشده دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شیراز.
- گریفین، مورهد. (۱۳۸۶). رفتار سازمانی. ترجمه س. م. الوانی و غ. معمارزاده. تهران: انتشارات مروارید.
- گودرز نژاد، ز. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین سبک مدیریت مدیران زن و بروز خلاقیت معلمان مدارس ابتدایی دخترانه شهرستان همدان، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء.
- میرزا آقایی، ح. (۱۳۸۶). تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت کودکان در آینده. آینه خیال، شماره ۵، ص. ۶۹.
- هرسی، پ و بلانچارد، ک. (۱۳۸۵). مدیریت رفتار سازمانی کاربرد منابع انسانی. ترجمه: ع. علاقه بند، تهران: انتشارات امیرکبیر.

منابع انگلیسی

- Al- Karasneh, S. M. & JubranSaleh, A. M. (2010). Islamic perspective of creativity: A model for teachers of social studies as leaders. *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 2, 412-426.

- Amabile, T. M.; Schatzel, E. A.; Moneta G. B & Kramer S. J. (2004). Leaders behaviours and the work environment for creativity: Perceived leader support. *The Leadership Quarterly*, 15, 3-5.
- Chien C., & Hui A. N. N. (2010). Creativity in early childhood education: Teachers perception in three Chinese societies, *Thinking Skills and Creativity*, 5, 49-60.
- Downs-Lombardi, J. (1996). *Children creativity, society child's: A mini-workshop in critical and creative thinking*. ERIC Resources 400 726.
- Gumusluoglu, L. & Iisu A. (2009). Transformational leadership, creativity and organizational innovation. *Journal of Business Research*, 62, 641.
- Hamz K., Nash W. R. (1996). Creating and fostering a learning environment that promotes creative thinking and problem solving skills. *ERIC Resources ed 406 445*.
- Jingo M. R. (2003). The child's right to creative thought and expression. *Childhood Education*, 79(4), 218.
- Kyung-Hwa L. (2005). The relationship between creative thinking ability and creative personality of pre-schoolers. *International Education Journal*, 6(2), 194-199.
- Kample, K. M. & Nissenberg, S. A. (2000). Nurturing creativity in early childhood education. *Early Childhood Education Journal*, 28(1), 67.
- Piaw, C. (2000). Learning style and thinking style, creative thinking and critical thinking abilities of Malaysia male and females students. *The International Journal of Learning*, 8, 32.
- Yildirim A., & Bastug, I. (2010). Teachers view about ethical leadership behaviours of primary school directors. *Procedia of Social & Behavioral Sciences*, 2, 4109- 4114.